

• دریافت ۹۰/۱۰/۲۶

• تأیید ۹۱/۴/۱۳

## تاریخ ادبیات دوره ساسانی از خلال منابع عربی

محسن راسی\*

### چکیده

هرگاه پژوهش کنندگان تاریخ دوره ساسانی برای تحقیق درباره ادبیات این دوره، منابع تحقیق خود را به همان آثار معدود و محدودی که به زبان پهلوی از آن دوره یا از دوره های نزدیک به آن در دست است منحصر کنند و از یکی از منابع مهم تحقیق در این زمینه، یعنی ادبیات عربی عصر عباسی که قسمتی از آن تحوّل یافته همان ادبیات دوره ساسانی است، غفلت ورزند، هرگز توفیق نخواهند یافت که چهره واقعی ادبیات دوره ساسانی را چنان که باید ترسیم کنند و آن را چنان که بوده بشناسند و بشناسانند. زیرا بدون تردید، یکی از مهمترین منابع برای جستجو و تحقیق در ادبیات دوره ساسانی، همین ادبیات عربی دوره عباسی است که از خلال آن نه تنها می توان تا حدّی با کیفیت و انواع و رشته های مختلف ادبیات دوره ساسانی آشنا گردید، بلکه همچنین می توان با دقت و موشکافی بیشتر و با صرف وقت و شکلیابی، آثار ارزنده ای از ادبیات آن دوره را هم لاقط در ترجمه عربی آنها به دست آورد. این مقاله ضمن اشاره به اثر نافذ و مستقیم آثار فرهنگی و علمی و ادبی عهد ساسانی در ادبیات عربی و معرفی نمونه های بارز و شاخص منابع مهم و معتبر در زبان عربی، کوشیده است راه شناخت تاریخ ادبیات دوره ساسانی را از خلال همین منابع باز نماید.

### کلید واژه ها:

منابع عربی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، دوره ساسانی.

## مقدمه

بی هیچ تردید، به شهادت تاریخ و اجماع محققان، ایران پیش از اسلام مظهر فرهنگ و تمدن و کانون فروزان ذوق و اندیشه و خلاقیت بوده، مجد و عظمت و شکوه و اقتدار آن مایهٔ اعجاب و شگفتی و حیرت مورخان گشته است. مبارزه با مظاهر اهریمنی (تیرگی- مرگ و بیماری- ناسپاسی- کینه- دشمنی و بی دینی- دروغ و ناراستی- کژی) و تأیید و تقویت مظاهر اهورایی (راستی و درستی- ایمان و فروتنی- تندرستی- روشنایی) از وظایف و اعتقاد ایرانی به شمار می رفت و پایبندی به اصول اخلاقی و معنوی و سنتهای استوار انسانی، فضیلتهایی است که از فطرت زلال ایرانی تجلی می نموده است.

ایران آن عهد، مهد علم و دانش و تربیت و معرفت بود. ایرانیان در علوم مختلف از قبیل: فلسفه ریاضیات و طب و نجوم و موسیقی و ادب، پیشرو و آوازه شهرت بودند. در موسیقی و ریاضیات بر اثر ارتباطی که از مشرق و مغرب با ملل بزرگی مانند: هندوان و بابلیان و یونانیان و ملل آسیای صغیر یافته بودند، به پیشرفتهای خیره کننده ای نایل آمدند. مراکز و مدارس علمی مهمی در سلوکیه و تیسفون و گندیشاپور و (ریواردشیر- ریوشهر) تأسیس یافته بود و علوم یونانی و اسکندرانی با پیشرفت خود در مشرق، به تدریج به داخل اراضی اصلی ایرانی راه جست و کتابخانه های بزرگی شامل کتب پهلوی و یونانی در آتشکده ها و یا در خارج از آنها مانند سارویه از شهر جی (گی) وجود داشته است.

ذبیح ا... صفا می گوید: در ایران عهد ساسانی ریاضیات و نجوم و هیئت، مورد علاقه و اهتمام بوده. وجود زیجهایی از قبیل زیج شهریار و مراصدی که بعدها مورد تقلید و استفاده گروه بزرگی از منجمین اسلامی قرار گرفته است و ترجمه کتابهایی در این زمینه، دلیل بارز ترقیات ایرانیان آن دوره بوده است. در این معاهد و حوزه های علمی که مقارن فتوح اسلامی در ایران وجود داشته، دانشمندی به تربیت شاگردان مشغول بودند و به همت و کوشش آنان بود که از این مراکز، در رشته های گوناگون، مؤلفان و مترجمانی در دوره اسلامی پدید آمدند و به کار تألیف و ترجمه و نقل کتب از زبانهای سریانی و یونانی و پهلوی و هندی مبادرت جستند. (صفا، ج ۱: ۱۱۴)

صاعد اندلسی در طبقات الامم می گوید: «از خصائص مردم ایران توجه آنانست به طب و احکام نجوم و علم تأثیر کواکب در دنیای فرودین و آن در باب حرکات کواکب ارضاد قدیم بوده و مذاهب مختلف در فلکیات داشته اند». صاعد اندلسی در ادامه این مطلب می گوید: «ایرانیان

کتاب مهمی در احکام نجوم داشته اند و یکی از آنها کتابی در صور درجات فلک، منسوب به زردشت و دیگر کتاب جاماسب است» (صفا: ۱۱۴) بنابر روایات مؤلفان عرب و ایرانی، پادشاهان ساسانی از ادشیر بابکان و شاپور به بعد، وسایل آشنایی ایرانیان را با علوم مختلف فراهم می آوردند. ابن ندیم می گوید که اردشیر برای گرد آوردن کتب، از هند و روم و جست و جوی بقایای آثاری که در عراق مانده بود، کسان بدان ناحیت ها فرستاد و از آنها هرچه را متفرق بود، گرد آورد و آنچه را متباین بود، تألیف داد و پسرش نیز این کار را دنبال کرد، چنانکه همه این کتب به پهلوی ترجمه شد. (ابن الندیم: ۳۲۳) و حتی مسعودی، آشنایی با مذاهب سقراط و افلاطون را به روحانی معروف عهد اردشیر بابکان نسبت می دهد. (مروج الذهب، ج ۱: ۲۱۰)

درباب شاپور، پسر اردشیر هم، برخی مانند ابن العبری گفته اند که او پزشکان یونانی را برای تعلیم طب به ایران خواست. در کتاب پهلوی «دینکرت» امر به ترجمه بعضی کتب هندی و یونانی شاپور نسبت داده شده و در تاریخ ابی الفداهم این نسبت تکرار گردیده و آمده است که شاپور فرمان داد تا کتب یونانی به پهلوی در آید و در جندی شاپور نگاه داشته شود. برای تحریر کتب طب و فلسفه و منطق دو خط، یکی به نام نیم کستج (نیم گشتگ) و دیگری به اسم «رأس سهریه» وجود داشته و ظاهراً خط کستج (گشتگ) هم برای نگارش کتب علمی به کار می رفته است. (صفا ج ۱: ۱۱۷)

### چرا آثار ادبی و فرهنگی اندکی از دوره ساسانی باقی مانده است؟

با این تفصیل، در تاریخ ایران از دوره ساسانی بیش از دوره های دیگر پیش از اسلام، منابع و معلومات تاریخی در دسترس محققان و دانشمندان وجود دارد. اما با وجود این، از آثار فرهنگی و ادبی و علمی آن دوره در زبان و هیأت اصلی چیز قابلی که شایسته چنان دوره ای باشد باقی نمانده است. این امر را معمولاً معلول علل چند گفته اند از آن جمله می گویند در حمله اعراب، آثار علمی و فرهنگی ایران از میان رفت. در این مورد غالباً به روایاتی درباره نابود ساختن کتابخانه های ایران و مصر اشاره و استناد شده است که البته مورد تردید بسیاری از مورخان و محققان است. (زرین کوب: ۳۶) این مطلب درست است که در حوادث قرن نخستین اسلامی بسیاری از آثار علمی و فرهنگی ایران از میان رفت، اما قسمت زیادی از آن آثار و نوشته ها پس از آن حوادث در خاندانهای کهن و برخی مراکز علمی و مذهبی ایران باقی ماند که بسیاری از آن آثار و مؤلفات در قرون اولیه اسلامی به زبان عربی ترجمه شد و در زبان عربی و فرهنگ

اسلامی راه یافت و از آسیب دوران مصون ماند؛ دیگر علت را اینگونه گفته اند که در ایران پیش از اسلام، سنت به کتابت در آوردن آثار دینی و ادبی چندان معمول نبوده است؛ بطوریکه این آثار قرن‌ها سینه به سینه حفظ می شده است. در کتابهای پهلوی غالباً از موبدانی یاد شده است که همه اوستا و ترجمه و تفسیر آن را از حفظ می دانستند، بطوریکه گفته اند: «توجه به سنت شفاهی تا آنجاست که در دینکرد آمده است که بخت ماری مسیحی می پرسد که چرا ایزد این دین را به زبان ناآشنای نهفته ای به نام اوستا گفت و برای آن متن نوشته کاملی نیندیشید، بلکه فرمود که آن را به صورت شفاهی (به گفتار) حفظ کنند؟ و در جواب آمده است که: به دلایل بسیار منطقی است که سخن شفاهی زنده را از صورت مکتوب مهمتر بدانیم» (تفضلی، تاریخ ادبیات، مقدمه). همین توجه به روایات سینه به سینه تا دورانهای بعد از اسلام نیز ادامه یافت. چنانکه مدونان اسطوره ها و داستانهای حماسی ایران، مانند فردوسی، علاوه بر روایات مکتوب خداینامه، از روایات شفاهی نیز بهره می جستند. مقصود از بیان این مقدمه، یادآوری این نکته است که اینها تنها علت نمی تواند باشد. مطلبی که در این مورد مقرون به حقیقت می نماید این است که با ظهور و انتشار اسلام، قسمت عمده آثار فکری و فرهنگی ایران تحول یافت. یعنی به وسیله ادیبان و دانشمندان و مترجمان نامدار ایرانی، این آثار به عربی نقل شد و از همان زبانی و ساسانی به صورت عربی در آمد.

در کتاب الفهرست ابن الندیم زیر عنوان « نام مترجمان از فارسی به عربی» صورتی شامل شانزده نام و ترجمه های آنها ذکر شده است. ولی با وجود این، همه مترجمانی را که به نقل آثار فارسی به عربی مبادرت ورزیده اند شامل نمی شود. زیرا غیر از اینها نویسندگان و مترجمان و دانشمندان دیگری هم بوده اند که آثار زیادی را از فارسی به عربی در آورده اند که نام آنها در فهرست ابن ندیم نیامده است. شاید به علت آنکه ابن ندیم در این صورت فقط نام کسانی را ذکر کرده که در این کار ممارست داشته و معروف و مشهور بوده اند و یا ابن ندیم از ترجمه های آنها آگاه نبوده و یا زمان آنها پس از وی بوده است. (محمدی: ۱۲۹)

در دوره اول از تاریخ خلافت عباسی که در تاریخ ادبیات عرب به عصر نقل و ترجمه معروف شده، در بین دانشمندان که کار و حرفه اصلی آنها ترجمه کتاب از زبانهای دیگر به زبان عربی بود، کسانی که به ترجمه کتابهای ایرانی به زبان عربی اشتغال داشتند، قابل ملاحظه اند و اگر روایت ابن الندیم را در فهرستی که از این اشخاص داده و نام مترجمان دیگری را هم که از منابع دیگر استفاده می شود بر آن بیفزاییم، به حدود سی نفر شامل می شود که بعضی از

آنها را می توان مترجمان حرفه ای نامید. یعنی کسانی که به شغل ترجمه اشتغال داشتند و کتابهای متعددی از فارسی ساسانی به عربی ترجمه کرده اند. تعداد کتب و آثار علمی و ادبی ایرانی که به زبان عربی ترجمه شده، به درستی معلوم نیست و آن مقدار که نامی و خبری از آنها در دست است، از صد کتاب و رساله متجاوز است؛ چنانکه یاقوت در شرح حال محمد بن خلف بن مرزبان می نویسد که او یکی از مترجمان کتابهای فارسی به عربی بوده و بیش از پنجاه ترجمه داشته، در صورتیکه از تمام این ترجمه ها جز نام یک کتاب را بیشتر نمی دانیم که آن هم به روایت بروکلن ( ج ۳: ۱۰۴) ترجمه تاریخ اسکندر است و این خود شاهی است بر این که مترجمان زیادی بوده اند که از آنها اطلاعی مبهم و ناقص به ما رسیده است. (تاریخ و فرهنگ ج ۴: ۱۲۸)

کتابهایی هم که از فارسی ساسانی به عربی ترجمه شده تا آنجا که از نام آنها پیداست، منحصر به یک یا دو فن نبوده بلکه علوم و فنون گوناگونی را شامل بوده که در آن عصر رواج داشته، از طب و منطق و گیاهشناسی و هیأت و نجوم و خواص البلدان گرفته تا تاریخ و داستان و قصه و ادبیات اخلاقی و رسائل ادبی و آیین های مختلف ادب و حکمت.

### اهمیت و تأثیر ابن مقفع

ابن مقفع که ابن ندیم وی را در صدر این صورت قرار داده و در واقع شایسته چنین مقامی هم هست، در ادبیات عربی و اسلامی اشتهار و اعتبار بسزا دارد. شهرت وی نه تنها به سبب فصاحت و بلاغت وی در زبان عربی است، بلکه هم بر اثر سخنرانی و نویسندگی اوست که قدیمترین کتبی را که به زبان عربی تدوین شده و در همه ادوار تاریخی ادبیات عربی از نفیس ترین و مهمترین آثار ادبی این زبان محسوب می شود، به خوبی و آراستگی به زبان عربی در آورده است. او کسی است که بیش از همه و نخستین بار مایه ایجاد این تحول عظیم در زبان عربی شد و یکی از ناقلان مشهور و بزرگ کتب ادبی و علمی از پهلوی و یونانی به زبان تازی است. ابن مقفع کتب معتبر و مهمی را از پهلوی به عربی ترجمه کرده است؛ از آن جمله: گاهنامه، آیین نامه، کلیله و دمنه، خداینامه (سیرالملوک) یا سیره ملوک الفرس، کتاب مزدک، کتاب التاج و شمار زیادی از کتب و رسالات دیگر و آثار ارسطو.

ترجمه عربی کلیله و دمنه ابن مقفع با سرعت در دنیای اسلامی آن زمان شهرت و آوازه یافت؛ هم از جهت سبک و اسلوب تدوین که تا آن روزگار در زبان عربی سابقه نداشت و هم از

حیث مهارتی که مترجم توانا در انشای کتاب به شیوه ای بدیع به کار برده بود. همین نیز موجب آمد بعضی از نویسندگان ایرانی نژاد به تقلید کلیله و دمنه ابن مقفع، کتبی تصنیف کردند؛ از آن جمله سهل بن هرون دشتمیشانی بود که کتاب «ثعله و عفرا» را تدوین کرد و سهل بن نو بخت نیز کلیله را به نام یحیی بن خالد برمکی به نظم آورد و هزار دینار صلت یافت و ابان بن عبد الحمید بن لاحق نیز آن را بار دیگر به نام جعفر برمکی منظوم ساخت در چهارده هزار بیت و هزاردرم صلت گرفت و ابوالفرج اصفهانی دوبیت نخست این ترجمه را در اغانی نقل کرده است (اغانی ج ۸: ۱۲۰) و بسیاری دیگر آن را ترجمه منظوم ساختند. (خطیبی ۱۳۶۶: ۴۴۵)

در اینجا به چند نمونه از آثار مهم ساسانی که به عربی نقل شده به اختصار اشاره می شود:

#### اندرز نامه ها

اندرزنامه ها به مجموعه ای از نوشته ها و رساله هایی که متضمن سخنان کوتاه و حکمت آمیز و پندآموز دوره ساسانی است اطلاق می شود. اینگونه نوشته ها به سبب اشتغال بر لطایف اخلاقی و دقایق حکمی از آثار پراج و شور انگیز و دلنشین عهد ساسانی به شمار می روند که هر چند تاریخ تدوین آنها را به صورت کنونی از عصر نخستین اسلامی می دانند، ولی به اتفاق، اغلب محققان آنها را نمونه های عالی ادبیات اخلاقی ساسانی تلقی می کنند که در سده های نخستین اسلامی به وسیله ادیبان و دانشمندان نامدار ایرانی به زبان عربی درآمده و با عناوین مختلفی مانند مواعظ و وصایا و آداب و حکمت خوانده اند؛ مانند وصیت نامه بزرگمهر معروف به ایاتکار و رزمکهر و یا اندرز نامه خسرو گوانان که در واقع وصیتنامه خسرو انوشیروان محسوب است و اندرزنامه آذرباد مارا سپندان به فرزند خود که همه حاوی تجارب اخلاقی و لطایف حکمی از مرده ریگ فکر عهد ساسانی می باشد. به عقیده دکتر نفیسی در ادبیات فارسی منظومه ای به نام «راحة الانسان» وجود دارد که شامل پند ها و اندرزهای انوشیروان است. (مجله مهر، سال دهم)

همه اینها و آنچه در ادبیات فارسی و عربی اعم از منظوم و منثور از آنها برجای مانده، دلیل روشنی است براین که این رشته از ادب و پند و موعظه را در روزگار ساسانیان اهمیت و رواجی بس عظیم بوده و مردم آن روزگار بدانها سخت دل بسته و پایبند بوده اند؛ به گونه ای که در طراز جامه ها و حاشیه فرشها و کناره سفره ها در نقوش و تزئینات معابد و ظروف و سنگ نبشته ها و در تاج شاهان، سخنان کوتاه حکمت آمیز و پند و اندرز زیبا می نگاشتند. (مسعودی، ج ۲: ۲۰۴)

**عهد (عهدها)**

عهد، به فرمانها و احکامی اطلاق می شده که متضمن واگذاری مقامی یا منصبی مهم از سوی حکام و فرمانروایان بزرگ به زیر دستان یا فرمانروایان کوچکتر بوده و کاملترین نمونه آن فرمانی بوده از شاهان درباره تعیین جانشین خویش. به همین سبب هم جانشین شاه را ولیعهد خوانده اند؛ یعنی کسی که مسؤول آن عهد و اجراکننده مفاد و اصول آن بوده و گاهی در میان پادشاهان و ملوک اطراف مبادله می شده و سوگندنامه ها و امان نامه ها و بیعت نامه هارا نیز شامل بوده است. این نوشته ها از بهترین نمونه بلاغت پارسی به شمار می آمده، به همین جهت عهد خسرو انوشیروان به پسرش هرمز را به گفته ابن ندیم، عین البلاغة (دستور بلاغت) می خوانده اند.

عهد هایی که در فهرست ابن ندیم، به همان صورت که او ذکر کرده، عبارتند از:

کتاب عهد کسری الی ابنه هرمز یوصیه حین اصفاء الملک و جواب هرمز ایاه؛

کتاب عهد کسری الی من ادرك التعلیم من بیته؛

کتاب عهد اردشیر بابکان الی ابنه شاپور؛

کتاب عهد کسری انوشیروان الی ابنه الذی یسمی عین البلاغه (محمدی ج ۴: ۱۳۲).

از دو یا سه عهدی که نام و اثر آنها را در مآخذی دیگر به جز فهرست ابن ندیم می توان یافت، یکی عهد شاپور به پسرش هرمز است که جهشیاری دو قطعه از آن را در کتاب *الوزراء* و *الکتاب* آورده و عامری نیشابوری هم در کتاب *السعادة و الاسعاد فی السیرة الانسانیة* در مواضع و مناسبتهای مختلف به مطالب آن استناد کرده و دیگر عهد قباد به پسرش خسرو انوشیروان است که ابن طباطبا از *تاریخ الدول الاسلامیة* مطالبی از آن را آورده و دیگر به احتمال قوی عهد خسرو پرویز است به پسرش قباد، معروف به شیرویه که ابن قتیبه در *عیون الاخبار* قطعاتی از آن را نقل کرده است.

از دوران اردشیر بابکان، بنیادگذار پادشاهی ساسانیان، به جز گفته ها و نوشته های پراکنده که در کارنامه اردشیر آمده، دیگر عهد اردشیر است و سومی نامه تنسر، کارنامه اردشیر که در قرون نخستین اسلامی با عنوان «الکارنامه» یا *سیرة اردشیر* به عربی ترجمه شده که مسعودی در *مروج الذهب* بدان پرداخته و گفته است: ولاردشیر بابک کتاب یُعرف بکتاب الکارنامه فیهِ ذکر اخباره و حروبه و مسیره فی الارض و سیره. (مسعودی: ۲۸۹) و به گفته ابن ندیم، ابان بن

عبدالحمید لاحقی هم آن را با عنوان سیره اردشیر به شعر عربی در آورده بوده. ولی از آن ترجمه عربی، امروز چیزی در دست نیست. عهد اردشیر و نامه تنسر از خلال زبان عربی و منابع اسلامی به مارسیده است. (محمدی: ۳۷۶)

این کتاب از همان دورانی که خلافت اسلامی در سیر تحول خود گام برداشته بود (اواخر دوران اموی)، مورد توجه و استقبال حاکمان قرار گرفته بود. علت این حسن استقبال را بیش از هر چیز باید در مطالب و محتوای خود این عهد جستجو کرد که بیانگر تفکر سیاسی ایرانیان در کشورداری و محور سیاسی بوده که متجاوز از چهارصد سال پایه های ثبات سیاسی و اجتماعی و عمران و آبادی ایران پهناور آن روزگار بر آن قرار داشته و به همین سبب هم نه تنها در آن دوران، بلکه در همه دوره ها از اصول اساسی هر حکومتی شمرده می شده است.

#### آیین نامه ها

آیین نامه ها به آن دسته از کتابهای تعلیمی گفته می شده که برای آموختن دانش یا فن و هنری و یا ادب و فرهنگی در دوره ساسانی تألیف شده بوده و مجموع آنها «آیین نامه بزرگ» را تشکیل می داده که به گفته مسعودی کتابی عظیم بوده در هزاران برگ که جز نزد موبدان و ریاست مدارانی از آن دست، یافت نمی شده است. (مسعودی: ۱۰۴)

این کتاب یا قسمتهایی از آن را ابن مقفع با عنوان «الآیین» به عربی ترجمه کرده است. ابن قتیبه دینوری، متوفی ۲۷۶ هجری، در کتاب عیون/الاخبار در مناسبتهایی از مطالب این کتاب نقل کرده است: «در کتاب الآیین خواندم قطعاتی را درباره آیین جنگ (الحرب) و تیراندازی (= الرماية) و چوگان بازی (الضرب بالصولجة) و تربیت و آداب معاشرت و پیشگویی از آن کتاب نقل کرده است.» (عیون، ج ۱: ۱۲)

و بخشی از کتاب الآیین را موضوعی با عنوان گاهنامه تشکیل می داده. گاه که معرب آن جاه است، به معنی مقام و مرتبه و این بخش از کتاب شامل مقامات و مراتب و مشاغل در دولت ساسانی بوده است.

مسعودی پس از شرح وظایف و تقسیمات آنها گوید: «و ایرانیان را کتابی است که به آن گاهنامه گویند. در این کتاب همه مراتب مملکت ایران که ششصد مرتبه است، بر حسب ترتیبی که به آن داده اند ذکر شده و این کتاب از جمله آیین نامه است.» (التنبیه: ۱۰۴)

جهشباری، متوفی ۳۳۱ هجری، در کتاب «الوزراء و الکتاب» نزدیک به هشت صفحه از



مقدمه آن را به آیین ایرانیان به وزیران و دبیران و دیوانها و اهتمام شاهان به این امر اختصاص داده و به شرح سخن رانده است. (جهشیاری - الوزراء، مقدمه)

#### خداینامه

از جمله میراث و یادگار گرانبهای فرهنگ و تاریخ باستانی، کتابی است به نام *خداینامه* که مهمترین منبع تاریخی دوره ساسانی است و شامل یک دوره تاریخ ایران از قدیمترین روزگاران تا پایان دوره ساسانی می شود.

در خداینامه (خوتای نامک) که در آن اسطوره با تاریخ بر آمیخته است، داستانها و اساطیر کهن هند و ایرانی که در آن شرح اعمال قهرمانان باستانی و کشمکشهای قبایل گوناگون و دخالت خدایان به حمایت از حامیان و پرستندگان آنان و داستانهای مربوط به جمشید و ضحاک و جنگهای ایرانیان و تورانیان با تیر اندازی آرش و اژدها کشی گرشاسب که در آن روایات کیانی با قصه های شاهان و قهرمانان اشکانی در هم آمیخته، آمده است. خداینامه ضمن اشمال بر حوادث زمان پادشاهان، خطبه ها و وصایا و سخنان کوتاه آنان را نیز در بر داشته است.

اصل کتاب به احتمال قوی در عهد خسرو انوشیروان جمع و تدوین شده و اصل پهلوی آن در طی تطاول ایام از بین رفته ولی ترجمه عربی آن که به وسیله عبدالله بن مقفع، ادیب و دبیر عربی نویسنده توانای ایرانی تحت عنوان «سیر الملوک یا سیرملوک الفرس» انجام شد باقیست. ترجمه های خداینامه یکی از مأخذ معتبر و عمده نقل و استفاده مورخان و راویان دوره اسلامی مانند طبری و مسعودی و ابن قتیبه و بلاذری و حمزه اصفهانی و ثعالی نیشابوری و دیگران به شمار می رفته است.

این همان کتابی است که پس از نقل به زبان فارسی و خصوصاً روایات سینه به سینه آن از مأخذ مهم شاهنامه فردوسی بوده و حماسه سرای نامدار توس با نظم استوار و هنر بدیع و سخن بلیغ خود آن را پایدار و جاودانه ساخته و از گزند حوادث و آسیب روزگاران مصون داشته است و یکی از عالیترین و مؤثرترین تاریخهای حماسی را از آن به وجود آورده است.

#### تاجنامه

تاجنامه، عنوان کتابهایی بوده است مشتمل بر تعلیماتی در امور سلطنت و دربار پادشاهی و فنون مملکت داری یا متضمن مطالب و موضوعاتی بوده است که آگاهی از آنها برای پادشاهان و طبقه حکام آن عهد لازم و مورد نیاز بوده، از لحاظ دانستن آنها و آشنا شدن با رسوم و اصول

سیاست و آیین پادشاهی و شرح حال و سرگذشت شاهان گذشته و سنتهای ایشان امر ضروری و جزء فرهنگ مخصوص آن طبقه شمرده می شده است.

عنوان تاجنامه (تاجنامک) به جهت انتساب آنها به شاهان و تاجوران پرآوازه و معروف در قدرت و سیاست بدانها اطلاق شده است.

دانشمندان و محققان بسیاری درباره تاجنامه به تحقیق و مطالعه عمیق و سودمندی پرداخته اند. ظاهراً قدیمترین مأخذی که در آن نامی از کتابی به نام «التاج» آمده، کتاب «عیون الاخبار» ابن قتیبه است که مقصود از آن یک تاجنامه پهلوی ساسانی است. ابن قتیبه از آن به نام «التاج» نام برده و چندین قطعه نیز از ترجمه عربی آن را عیناً نقل کرده.

پس از ابن قتیبه، مأخذ دیگری که در آن با صراحت از کتابهایی به نام «التاج» ذکری به میان آمده الفهرست ابن ندیم است. ابن ندیم در «الفهرست» در ضمن کتابهایی که ابن مقفع از فارسی به عربی ترجمه کرده، کتابی را هم با عنوان کتاب «التاج فی سیره انوشروان» نام برده است که شادروان احمد زکی پاشا مصحح و محقق کتاب «التاج فی اخلاق الملوک» منسوب به جاحظ را «رازی در نهاد روزگار نهفته» خوانده اند. (مقدمه التاج) فهرست ابن ندیم در سال ۳۷۸ هجری پیش از یک قرن پس از تألیف عیون الاخبار تألیف شده ابن ندیم، در جای دیگری در الفهرست در ضمن کتابهای ایرانی که در تاریخ و داستانهای صحیح تألیف شده، غیر از التاج فی سیره انوشیروان، از کتاب دیگری با عنوان «التاج و ماتفائلت به ملوکهم» نام برده است که شامل مطالب و موضوعاتی بوده همچون: ستاره شناسی و طالع بینی و خوابگزاری و اسطرلاب و زایچه و تفأل و تطییر (فال نیک و بد) همراه با حکایاتی از شاهان ساسانی و چیزهایی که بدان فال بد یا نیک می زده، سعد و یا نحس می شمرده اند که در دوره ساسانی و بخصوص در دربار پادشاهان، این قبیل مباحث رونق و رواج تام داشته و آن شاهان به این پیشگوئیها اعتقادی راسخ داشته اند.

ابی الحسن عامری نیشابوری متوفی در (۳۸۱) هجری در کتاب معروف خود «السعادة و الاسعاد» که همزمان با الفهرست ابن ندیم تألیف شده، در دوجا از کتاب التاج نام برده و قطعاتی از آن را در کتاب خود آورده است. (عامری: ۴۳۲)

مسعودی در کتاب «التنبیه و الاسراف»، توصیف دقیقی از تاجنامه کرده است که به اختصار چنین است: «در شهر استخر، از سرزمین ایران، در سال ۳۰۳ در یکی از خانواده های اشرافی ایران، کتابی عظیم دیدم شامل بسیاری از دانش ایرانیان و اخبار پادشاهان و بناها و سیاستهای

ایشان که در هیچ یک از کتابهای آنان مانند: خداینامه و آیین نامه و گاهنامه و جز اینها ندیده بودم. در این کتاب بیست و هفت تن از پادشاهان خاندان ساسانی ایران تصویر شده بود که از آنها بیست و پنج تن مرد و دو تن زن بودند و صورت هر یک در روزی که بدرود زندگی گفته بود، چه پیر و چه جوان، با زینت و تاج و جای ریش و عارض صورتش نگاشته شده و [نوشته بود] که چهارصد و سی و سه سال و یک ماه و هفت روز بر جهان فرمانروائی کردند و که هر وقت شاهی از آنان بدرود زندگی می گفت، تصویری از او به همان هیأت می کشیدند و آن را در گنجینه ها می نهادند تا زندگان را وصف مردگان پنهان نماید. تصویر هر شاهی را که در جنگ بود ایستاده و آنکه در امری کشوری بود نشسته می نگاشتند و شرح حال و کارهای خصوصی و عمومی او را با پیشامدهای سترگ و حوادث بزرگی که در زمان پادشاهان او روی داده بود نوشته بودند.» (التنبیه: ۱۰۶)

از دانشمندان متأخر هم، کسانی که درباره آثار دوره ساسانی مطالبی نوشته اند و در ضمن تحقیق خود، به ذکر تاجنامه نیز پرداخته و نام و تعریفی از آن کرده اند، می توان از «کرانشووسکی» خاور شناس روسی و «اینوسترانزف» خاور شناس و دانشمند روسی و استاد کریستن سن در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» و غیره را نام برد و تحقیقاتشان را ستود. اختصار کلام اینکه، تاجنامه ها به سبب اشتهال آنها بر تجارب کشورداری و دقائق سیاست و حکمرانی سبب شده است تا از دیر باز خلفای اسلامی آنها را به چشم سرمشق و الگوی آموزنده ای تلقی نمایند.

#### جاودان خرد

احمد بن محمد مسکویه، مؤلف این کتاب، از خاندانی ایرانی و زردشتی بوده که خود با پدرش به دین اسلام گرویده و در دستگاه ابن عمید و پسرش ابو الفتح به کار دبیری می پرداخته و سرپرستی کتابخانه او را بر عهده داشته و به همین جهت به خازن رازی معروف شده است. ابن مسکویه، گذشته از خردمندی و فرزانی، از نویسندگان نامی و توانای زبان عربی و نیز از حکمای بنام و مورخان صاحب نظر عالم اسلامی به شمار رفته است.

از میان همه آثار و تألیفات مسکویه در حکمت و اخلاق، این دو کتاب، یعنی تهذیب الاخلاق و جاودان خرد از اهمیت و خصائص چشمگیری برخوردار است. زیرا وی در کتاب تهذیب الاخلاق کوشیده است که اخلاق را مبتنی بر اصول علمی و منطقی و ترتیب تعلیمی

تشریح کند و کتاب جاودان خرد وی شامل جاودان خرد ساسانی و رسائل دیگر ایرانی است و بیش از یکبار به فارسی هم ترجمه شده. درباره ترجمه های فارسی این کتاب و نسخه های موجود آنها عبدالرحمن بدوی مصحح ناشر متن عربی آن اطلاعاتی سودمند به دست می دهد. مسکویه پس از نقل جاودان خرد یا نامه هوشنگ «اوشهنج» زیر عنوان «آداب الفرس» به ذکر قطعات زیادی از ترجمه عربی آثار اخلاق ایران پرداخته و به مواظ آذرباد که در ادبیات اخلاقی ساسانی و زرتشتی به علم حکمت شهرت داشته، سخنان بسیاری چه در پهلوی و چه در عربی که به او نسبت داده شده، با عنوان «قال حکیم الفرس» آذرباد اشاره کرده است و نیز قطعات زیادی از پند و اندرز و حکمت منسوب به بهمن از پادشاهان داستانی ایران و بزرگمهر دانای معروف آن روزگار را ذکر کرده است. ایرانیان در عصر ساسانی عشق و علاقه زیادی به نوشته ها و گفته هایی که شامل مضامین اخلاقی بوده، داشته اند که این علاقت ایرانیان به این گونه مضامین اخلاقی، به دوران اسلامی نیز سرایت کرده و گوشه هایی از آن در آثار مؤلفان اسلامی نیز منعکس گردیده. جاحظ نوشته است:

ایرانیان به سبب اهتمام و عنایتی که به اینگونه مضامین داشته اند، موعظه ها و پندهای عام المنفعه را هم مانند تاریخ حوادث عظیم و اموری که نشانه سرفرازی و افتخاراتشان بوده، علاوه بر کتب، بر صخره های عظیم نیز می نگاشتند و یا در بناهای بزرگ به یادگار می گذاشته اند. (جاحظ: ۲۰۱) و همین جاودان خرد و یا اندرزنامه های عهد ساسانی که در دوره اسلامی با عنوان «الحکمة الخالدة» تحریر یافته است. این مسکویه را اثری دیگری است به نام تجارب الامم که حاوی خطب و رسائل دوره ساسانی است.

#### عیون الاخبار

نخستین کتاب معتبری که در زبان عربی در فرهنگ دبیران دیوان و تقویت و گسترش دامنه معلومات ایشان تدوین یافته، کتاب عیون الاخبار، تألیف ابن قتیبه دینوری، متوفی در ۲۷۶ هجری، در بغداد است. ابن قتیبه فقیهی متشرع بود و در دینور به کار قضا اشتغال داشت و صاحب آثار و تألیفات متعددی در علوم و معارف متداول زمان خود بود؛ از قبیل: علوم قرآنی و حدیث و فقه و ادب و شعر و نحو و معارف دیگر. در میان مؤلفات ابن قتیبه، دو کتاب یعنی: «ادب الکاتب» و «عیون الاخبار» در نوع خود بی نظیر و سرآغاز کتابهایی بوده اند که در آن رشته در زبان عربی تألیف شده و مورد استفاده و سرمشق بسیاری از ارباب ادب در ادوار مختلف

بوده. ادب الکاتب کتابی است نسبتاً کوچک مشتمل بر مباحث لغوی و نحوی و بیانی. اما عیون الاخبار کتابی است بزرگ و مفصل و شامل ده بخش جداگانه که هر بخشی از آن را خود مؤلف به نام کتاب نامیده است. ابن قتیبه دانشمندی بوده پرمایه که سرمایه علمی او منحصر به فرهنگ عربی نبوده، بلکه از فرهنگ ایرانی اندوخته های فراوان داشته و از کتابها و نوشته های زمان خودش و از آثار پیش از اسلام، فراوان در این کتاب نقل کرده است که می توان تا حدی به نوع مطالب و کیفیت آن کتابها و نوشته ها پی برد.

ابن قتیبه از آیین نامه ها و تاجنامه های دوران ساسانی مطالب بسیاری نقل کرده است. نامه ها و توقیعات زیادی را به شاهان عجم نسبت داده و به گفته دکتر خطیبی: ابن قتیبه در عیون الاخبار بلاغت کتاب و مکاتیب ایران پیش از اسلام را از مهمترین منابع کتاب خود به شمار آورده و روایت کرده است.

انوشیروان هنگامی که کسی را به حکمرانی ولایتی می گماشت، دستور می داد که کاتب در منشور به مقدار چهار سطر باز بگذارد تا خود بر آن توقیع کند و چون منشور را نزد او می آوردند، بر آن چنین توقیع می کرد: «با بزرگان و برگزیدگان مهربان باش و با دیگر مردم با بیم و امید رفتار کن و با فرومایگان سختگیر باش». (خطیبی ۱۳۶۶: ۲۱۱)

#### کتاب العقد الفرید

این کتاب نخستین کتاب معتبری است که در خارج از این سرزمین، یعنی در قرطبه اندلس اسپانیای کنونی که در آن روزگار قسمت عمده آن جزء متصرفات مسلمانان بوده به وسیله ابن عبد ربّه، متوفی در ۳۲۸ هجری، شاعر و ادیب نامی آن عهد تألیف یافته. این کتاب در جای جای مجلّدات قطورش حاوی بسیاری از امثله و عهود و سیر فرس و مکاتیب و رسائل و توقیعات ایرانیان است. نوشته اند هنگامی که صاحب بن عباد کافی الکفاة، از وزیران دیلمیان کتاب «العقد الفرید» را دید، گفت: «هذه بضاعتنا ردت الینا»، یعنی این کالای خود ماست که به ما بازگردانده شده. ماگمان بردیم که از بلاد خود اندلس چیزی نوشته، اکنون دانستیم فقط اخبار ما را دارد.<sup>۲</sup>

با مطالعه و تأمل در محتوای این کتاب، به وضوح دانسته می شود که مؤلف آن از آثار علمای شرقی استفاده و اقتباس کرده. وی نه تنها از سبک و اسلوب نگارش کتاب «عیون الاخبار»، تألیف ابن قتیبه، بسیار تقلید کرده، بلکه قسمت اعظم مطالب آن را هم در کتاب خود

نقل کرده است. به گفته دکتر محمدی: «پس از عیون الاخبار ابن قتیبه، کتاب «الکامل» مبرد و «الکتاب» سیبویه و کتابهای ابن مقفع و جاحظ و ابن سلام جمعی و چند تن دیگر است که آثار آنها را جابجا در کتاب «العقد الفرید» می توان یافت». (محمدی ج ۴: ۲۴)

### نتیجه گیری

همانطوریکه گفته شد، آثار ادبی و فرهنگی ایران دوره ساسانی که در قرون نخستین اسلامی به عربی نقل شده، برای شناخت تاریخ و ادب آن عهد بسیار حائز اهمیت و فائده است. زیرا که ادبیات عصر اول عباسی نه تنها از نظر تحقیق در فرهنگ ایران، بلکه از جهت تحقیق در تحوّل فرهنگ عربی نیز حائز اهمیت فراوانی است. پژوهندگان فرهنگ ایرانی ناچارند برای دست یافتن به پاره ای از آثار ادبی و فرهنگی دوره ساسانی از خلال همین ادبیات و آثار فرهنگی عربی عصر عباسی راهی به آن دوران باز کنند. محققان زبان و ادبیات عربی نیز برای درک صحیح تحولات ادبی این زبان در عصر عباسی، ناچارند که قسمتی از علل و عوامل آن تحولات را در ادبیات دوره ساسانی و فرهنگ تمدن ایران جستجو کنند.

روی این اصل، پژوهندگانی که بخواهند از خلال ادبیات عربی دوره عباسی راهی به ادبیات ساسانی بیابند، باید از تاریخ ادبیات ساسانی و مراحل و تطوراتی که پس از اسلام دیده است، آگاه باشند.

### یادداشتها

۱. درباره مترجمان ایرانی آثار ساسانی، به عربی مراجعه کنید به ترجمه و النقل، تألیف دکتر محمدی ملایری.
۲. برای شرح حال صاحب بن عباد به وفیات الاعیان ابن خلکان ج ۱ و لغتنامه دهخدا رجوع شود.

### منابع

- ابن عبد ربه- العقد الفرید، چاپ قاهره
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم دینوری، عیون الاخبار، چاپ قاهره
- ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد، تجارب الامم تصحیح ابوالقاسم امامی
- ابن ندیم، الفهرست چاپ فلوگلی
- احمد زکی پاشا، التاج فی اخلاق الملوک
- بدوی عبدالرحمن، الحکمة الخالده
- تفضلی احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، انتشارات سخن

- جاحظ ابوعثمان ، المحاسن و الاضداد
- الجهشیری، ابی عبدالله عبدوس، الوزراء و الكتاب، چاپ قاهره
- حمزة اصفهانی، سنی الملوك الاض و الانبياء چاپ بیروت
- ذبیح اله، صفاء تاریخ ادبیات در ایران، چاپ فردوسی
- زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام ، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۲
- عامری نیشابوری، ابوالحسن ، السعادة و الاسعاد چاپ مینوی
- کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی
- محمدی ملایری، الترحم و النقل عن الفارسیة فی القرون الاسلامیة اولی، بیروت ۱۹۶۴
- محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ج ۵، انتشارات توس
- مسعودی ابی الحسن، التنبیه و الاشراف چاپ لیدن
- مسعودی ابی الحسن، مروج الذهب و معادن الجواهر چاپ بیروت
- نوابی ماهیار ، مجله دانشکده ادبیات تبریز اندرز آذرباد، شماره ۱۱
- نفیسی، سعید، تاریخ تمدن ایران ساسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی